

دانشگاه

گاه

چهارشنبه ۱۵ مرداد ۱۴۰۴

شماره ۴۴۷۷

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE

دانشگاه

گاه

ابراهیم فیاض درگفت‌وگو با «فرهیختگان» از چرایی انفعال علوم انسانی در دوران جنگ ۱۲ روزه و پساجنگ می‌گوید

علوم انسانی دچار مرگ مغزی شده است



زهرا رمضانی

خبرنگار گروه دانشگاه

«توزیع آب معدنی به مردم درراه‌مانده»، «مصاحبه با نانوائی که علی‌رغم شهادت برادرش، در محل کارش حاضر شده تا مردم بی‌نان به خانه نروند»، «کمک‌رسانی مردم به مجروحان بعد از اصابت موشک در خیابان تجریش» و هزاران مثال دیگر از این دست،

از نگاه شما علوم انسانی چه سهمی در جنگ ۱۲ روزه برعهده داشت و تا چه میزان توانست به نقش خود عمل کند؟

واقعیت آن است که ما در جنگ ۱۲ روزه، در حوزه راهبردی دچار شوک شدیم و نتوانستیم پیش‌بینی کنیم دشمن چگونه ممکن است حمله کند. این مسئله هم برمی‌گردد به اینکه ما در حوزه هوش مصنوعی هم دچار شوک شدیم. قبلاً هم گفته بودم که سوریه در حالی اشغال شد که این اتفاق توسط هوش مصنوعی و از سوی رژیم صهیونیستی و ترکیه صورت گرفت، یعنی یک سپاه ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفره یک سپاه ۳ هزار نفری را در حلب نابود کرد و کل ارتش سوریه را این‌گونه از هم متلاشی کردند. عجیب‌تر اینکه دیدیم در روسیه هم دقیقاً همین اتفاق افتاد و پایگاه هواپیماهای استراتژیک و دوربرد روسی، توسط هوش مصنوعی نابود شد؛ اما ما چون علوم انسانی در کشور نداریم، نتوانستیم از این مسائل عبرت بگیریم، به‌طوری‌که شاهد آن بودیم همین قصه در ارتباط با فرماندهان نظامی و دانشمندان هسته‌ای ما تکرار شد. درحالی‌که قطعاً اگر علوم انسانی داشتیم، چنین مسائلی در کشور تکرار نمی‌شد.

منظوران از اینکه اگر علوم انسانی داشتیم شاهد ترور فرماندهان نبودیم چیست؟

طبعاً اگر علوم انسانی داشتیم، می‌توانستیم تشخیص دهیم دشمن چه سناریوهایی را اجرا خواهد کرد. نگاه کنید زمانی که سرلشکر سلامی تماس می‌گیرد و عنوان می‌کند امشب عملیات است، چرا ما نباید پیش‌بینی می‌کردیم که فرمانده ما در مقر نظامی‌مان مورد هدف قرار می‌گیرد؟ این اتفاق توسط هوش مصنوعی رخ داده و قطعاً هوش مصنوعی هم باید توسط علوم انسانی مورد بررسی قرار می‌گرفت. البته درست است که این حوزه به علوم تجربی هم برمی‌گردد، اما این را باید مدنظر قرار داد که علوم تجربی، بحث تکنولوژی هوش مصنوعی را مورد بررسی قرار می‌دهد اما راهبردهای استفاده از آن را نمی‌تواند ترسیم کند و این کار علوم انسانی است. البته منظورم از علوم انسانی هم علوم انسانی بومی است.

شما معتقدید عملکرد علوم انسانی ما درمجموع مناسب نبوده است. دلایل ناکارآمدی را چه می‌دانید؟

امروز فنی‌زدگی و تجربی‌زدگی علوم انسانی، باعث شده تا علوم انسانی ما یا نابود شود و یا کاملاً غربی باشد و عملاً علوم انسانی ما دیگر کارایی ندارد. گویی علوم انسانی ما یک موتور ماشین است که نه‌تنها هیچ نسبتی با بدنه خودرو ندارد، بلکه با بخش‌های دیگر خودرو هم در تناسب نیست و این‌گونه قطعاً علوم انسانی ما کارایی نخواهد داشت. یعنی حتی اگر بهترین موتور را روی بدنه‌ای از خودرو بگذاریم که تناسبی با یکدیگر ندارند باز هم آن موتور کارایی نخواهد داشت. علوم انسانی ما توسط علوم تجربی دچار غرب‌گرایی شدید شده و دیگر کارایی ندارد و این مسئله هم از طریق ISI دنبال شده است.

در نگاه شما انتشار مقالات ISI در حوزه علوم انسانی باعث شده به وضعیت امروز دچار شویم؟

ما ۲۰ سال ISI را بر حوزه علوم انسانی کشور مسلط کردیم که نتیجه آن بحران امنیتی عظیم ۱۴۰۱ شد. یعنی بالای جان خودمان شد. درحالی‌که ISI را پول همین کشور منتشر کردیم. درحقیقت علوم انسانی ضدامنیت خودمان شده است. حالا هم که بعد از ۲۰ سال مسئولان فهمیده‌اند چه خیانتی به این کشور با ISI و فنی‌زدگی و تجربی‌زدگی در حوزه علوم

نشان داد که رفتار مردم این نقطه از دنیا وقتی پای آب و خاکش در میان باشد، با حساب و کتاب دشمنان همخوانی ندارد. مردمی که سدی محکم برای رسیدن به خواسته های رژیم‌صهیونیستی زدند و ایرانی که همه اقشار آن فارغ از نوع فرح دیدگاه سیاسی و وضعیت زندگی‌شان، زیر پرچم کشورمان جمع شدند تا پوزه دشمن را به خاک بمالند. این روزها که ۴۲ روز از جنگ تمدنی دنیا علیه ایران می‌گذرد، حفظ همان وحدت مثال‌زدنی بین مردم از اهمیت

انسانی انجام داده‌اند، شاهد نتیجه آن هستیم که نتوانستیم بفهمیم دشمن چه کارهایی می‌تواند انجام دهد. آن هم درحالی‌که جلوی چشم‌مان دیدیم که چگونه به روسیه حمله کردند اما باز هم کاری نکردیم و درنهایت هم شاهد شهادت فرماندهان در نیمه‌های شب بودیم. قطعاً اگر علوم انسانی در کشور ما وجود داشت، دچار این وضعیت نمی‌شدیم. البته باید این را هم بگویم که بعد از چند ساعت اول حمله، این پیش و حکمت و ایمان مقام‌معظم‌رهبری بود که توانستیم بر جنگ مسلط شویم، تا جایی که دیگر همه به این مسئله معترف شدند. اما دیدیم که دشمن حسی تهدید به حمله به مقام‌معظم‌رهبری می‌کرد که همه آن‌ها به همان دلایل قبلی است که گفتیم، درحقیقت غفلت اولیه‌مان در جنگ برای آن بود که ما علوم انسانی بومی نداشتیم و علوم انسانی غرب‌گرایی که توسط فنی‌ها و شاخص‌های فنی که در شورای عالی انقلاب فرهنگی برای علوم انسانی چیده شده بود، باعث شد علوم انسانی ما بی‌خاصیت شود.

در شرایط پساجنگ، متخصصان علوم انسانی باید چه اقداماتی را انجام دهند که شاهد تکرار شرایط قبل نباشیم؟

واقعیت آن است که علوم انسانی ما دچار مرگ مغزی شده است. یعنی ISI‌زدگی و انحرافی که بنیانگذار ISI در حوزه علوم انسانی کشور انجام داد، باعث رسیدن به وضعیت امروز شده است. این را هم باید بگویم که هرچند جنگ ۱۲ روزه آن هم در سطح تکنولوژی که شاهد آن بودیم، شوک بزرگی به جامعه وارد کرد، اما چون مردمان بزرگی داریم، دیدیم که خود مردم توانستند جامعه را به وضعیت قبل برگردانند. مردم ما شعور کلان بالایی دارند و این مسئله را در طول تاریخ هم شاهد بودیم. به‌طوری‌که اغتشاشاتی که در ۱۸ تیر ۱۳۷۸ رخ داد توسط مردم در ۲۳ تیر تمام شد. در مقابل اتفاقات ۲۲ خرداد ۸۸ شاهد ورود مردم و واقعه ۹ دی بودیم و در سال ۱۴۰۱ نیز دیدیم که با وجود بحران کلانی که توسط انحراف امنیتی کشور رخ داده بود و ISI تمام اطلاعات کشور به خارج منتقل و در عمل یک طراحی بزرگی رخ داد و دچار بحران‌زدگی شدیم، اما باز هم کل ماچرا توسط مردم جمع شد. حتی در جنگ ۱۲ روزه هم دیدیم که برخلاف آنچه دشمن تصور می‌کرد دیگر کار تمام است، اما باز هم مردم وارد شدند و با بینش مسئله تمام شد. همه دیدیم که مردم فقدر خونسرمد پای کار بودند. با این حال باز هم باید تأکید کنم که به دلیل آنکه علوم انسانی ما دچار مرگ مغزی شده، نتوانست در این زمینه کاری کند.

برای پاسخ به پیامدها و آثاری که جنگ تحمیلی ۱۲ روزه برای کشور داشته باید چه تغییراتی را در حوزه علوم انسانی شاهد باشیم؟

این را باید بگویم که از سال گذشته که ما دچار خلأ به شدت معنایی در علوم انسانی شدیم، خود فعالان این حوزه شروع به بازسازی کردند و قدم‌هایی در این زمینه برداشتند. مسئله غیرقابل انکار آن است که قطعاً انسان اختیار دارد و بارها دیده‌ایم که ایرانیان، افراد بسیار باهوشی هستند و به همین دلیل بعد از حس شدن شدید خلأ معنایی در علوم انسانی، خود فعالان این حوزه وارد عمل شدند. از سوی دیگر ما دانشگاه‌های بسیار خوبی در کشور داریم که می‌خواهند در این زمینه وارد شوند. درمجموع معتقدم از ابتدای سال جدید تحصیلی شاهد بازسازی معنای کشور هستیم که جهش بسیار بزرگی در این حوزه خواهد بود. یعنی ما از مهر ماه شاهد برداشتن گام‌هایی در این زمینه خواهیم بود و تنها باید شر تمام آیین‌نامه‌هایی که غرب‌گرایی و علوم فنی‌زدگی هستند را کم

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

دولت‌ها هشدار تغییر حکمرانی آب را نادیده گرفتند

آب شهرها را انتخاب درستی نمی‌داند و معتقد است: «یکی از نتایج کاملاً قابل پیش‌بینی این اتفاق همین بوده که حساسیت مردم نسبت به درخواست‌های دولت برای صرفه‌جویی در مصرف آب بسیار کم شده است. با این حال باید بگویم که به‌طور خاص درباره تابستان امسال و مسئله تأمین آب تهران و ۴۲ شهر دیگری که دچار تنش آبی هستند، مؤثرترین کاری که دانشگاهیان می‌توانند انجام بدهند، دعوت مردم به همکاری در مدیریت مصرف آب و صرفه‌جویی است. در این دو ماه باقی‌مانده از تابستان، فرصت کافی برای جبران کم‌کاری‌های گذشته دولت‌های در حکمرانی مطلوب آب نیست و تذکر در این زمینه جز مخدوش کردن اراده جمعی برای صرفه‌جویی در مصرف آب حاصلی ندارد.»
عضو هیئت علمی دانشگاه تهران درباره اقدامات صورت‌گرفته از سوی جامعه علمی برای حل بحران آب ادامه داد: «در گذشته و به‌خصوص سال‌های اخیر، دانشگاهیان تلاش‌های زیادی برای هشداررسانی در مورد فرجام خطرناک ادامه روند موجود حکمرانی آب ارائه کرده‌اند. در بعضی موارد مثل مشکل شوری آب سد گنبد، احیای دریاچه ارومیه، یا سیلاب‌های بسیار شدید سال ۱۳۹۸، دولت در جلب کمک دانشگاهیان پیش‌قدم بود و تیم‌های چند ه یا حتی چند صنفه از دانشگاهیان و کارشناسان خبره بخش خصوصی را برای بررسی‌های عمیق کارشناسی و ارائه راهکار به کار گرفته است. در بسیاری موارد دیگر، خود دانشگاهیان برای صدور هشدار و ارائه راه‌حل پیش‌قدم بوده‌اند. البته دولت‌ها کمتر از هشدارها و راه‌حل‌های ارائه‌شده توسط دانشگاهیان برای تغییر بنیادی در رویه‌های حکمرانی و مدیریت منابع آب استفاده کرده‌اند و اصل مشکل نیز همین جاست.»
زهرا ییسی به راهکارهای کوتاه‌مدت‌رای عبور از بحران کم‌آبی اشاره و تصریح کرد: «در کوتاه‌مدت و به‌خصوص تابستان سال جاری، باید همکاری مردم در شهرهای دارای تنش برای مدیریت مصرف آب جلب

فوق‌العاده‌ای برخورددار است. وحدتی که می‌تواند دستاوردهای به‌مراتب بزرگ‌تری را نصیب این مرز و بوم کند. در این میان فعالان حوزه علوم انسانی سهم بالایی در حفظ و ترسیم سازوکارهای علمی و عملی برای حفظ و تقویت انسجام ملی برعهده دارند. حوزه‌ای که هرچند در طول دهه‌های گذشته نتوانسته نسبت خود را با جامعه و هویت ایرانی به‌درستی تعریف کند، اما ایران امروز که از گذر جنگ ۱۲ روزه گذشته، فرصت خوبی را پیش روی فعالان علوم

کنیم. آیین‌نامه‌هایی که همگی دستاورد شورای عالی انقلاب فرهنگی محسوب می‌شوند، باید جمع‌آوری شوند. در مقابل هم باید به علوم انسانی مختاریت بدهیم و حتی وزارتخانه جداگانه‌ای برای آن ایجاد کنیم. امروز متأسفانه این‌گونه نیست. بگذار یک مثال بزنم. نگاه کنید از آنجایی که مدیریت دانشگاهی مانند تهران هم فنی است هم علوم پایه و هم علوم انسانی، می‌بینیم که در عمل حوزه علوم انسانی این دانشگاه نابود شده است.

شما راه‌اندازی وزارتخانه‌ای مستقل از وزارت علوم که تمرکزش بر حوزه علوم انسانی باشد را راهکار برون‌رفت از وضعیت فعلی می‌دانید؟

بله. من بارها در این باره صحبت کرده‌ام که لازم است وزارت حکمت و علوم انسانی را راه‌اندازی کنیم و اگر این اتفاق بیفتد، می‌توانیم علوم انسانی را نجات دهیم و این اتفاق باعث می‌شود کشور در طرح‌های آینده‌اش، موفق عمل کند. در مقابل هم باید به این مسئله اشاره کرد که قطعاً اگر همین وضعیت ادامه پیدا کند، دوباره علوم انسانی ضدامنیت و ضدمنافع ملی خواهد شد و دیگر آن وقت لازم است تا با علوم انسانی بجنگیم. البته وضعیت الان هم این‌گونه است که در حال مبارزه با علوم انسانی هستیم. واقعیت آن است که در حال حاضر علوم انسانی که شورای عالی انقلاب فرهنگی چهارچوب آن را تعیین کرده با فنی‌زدگی، خود به ضد منافع ملی و امنیت ملی عمل می‌کند و وقتی شرایط این‌گونه می‌شود، دوباره خودمان علیه علوم انسانی می‌شویم. وضعیت فعلی علوم انسانی نتیجه‌اش آن است که طرح‌های کلان کشور گم و عملاً کشور گنج می‌شود.

جز ایجاد وزارتخانه مستقل برای علوم انسانی، چه سازوکاری برای نجات علوم انسانی باید از سوی مسئولان دنبال شود؟

اگر همین الان مسئولان کلان تصمیم بگیرند مدیریت مستقل به علوم انسانی داده شود و وزارتخانه مستقل داشته باشد، می‌توانیم شاهد تغییرات باشیم. یعنی باید یک علوم انسانی بومی داشته باشیم که گذشته، حال و آینده را بررسی و ترسیم کند؛ چراکه علوم انسانی که هم گذشته و حال را به خوبی تحلیل می‌کند، می‌تواند آینده‌نگاری هم داشته باشد. قطعاً اگر به صورت کور به سمت آینده برویم دچار بحران و شکست می‌شویم. بنده سال‌ها با مردم‌شناسی و علوم انسانی اتفاقات را پیش‌بینی کرده‌ام اما نمی‌دانم چرا امثال بنده باید بایکوت شویم.

رسیدن به علوم انسانی بومی مورد نیاز کشور، درصورتی‌که الزامات برآورده شود، مقدر زمان‌بر خواهد بود و رسیدن به این علوم انسانی می‌تواند در افزایش تاب‌آوری کمک‌کننده باشد؟

به حدی برای این کار انرژی داریم اما ساختار آیین‌نامه‌ای و ساختار دانشگاهی که در شورای عالی انقلاب فرهنگی ترسیم شده، باعث شده که فنی‌گرایی، غرب‌گرایی و سکولاریسم به علوم انسانی تحمیل شود. متأسفانه در هیچ نقطه دنیا به اندازه ایران، علوم انسانی غرب‌گرا، فنی‌زده و تجربی‌زده نیست. حتی خود اروپا و خود آلمان که مرکز علوم انسانی دنیا است، وضعیتش این‌گونه نیست. در آمریکا هم شاهد این مسئله نیستیم. اصلاً عجیب است که تا این اندازه غرب‌گرایی و فنی‌گرایی در علوم انسانی ما حاکم باشد. اگر امروز علوم انسانی ما را رها کرده و فنی‌زدگی و آیین‌نامه‌های مرتبط با آن را کنار بگذاریم و دانشکده‌های علوم انسانی را به خوشدان واگذار کنیم، چنان جهش بزرگی در عرض

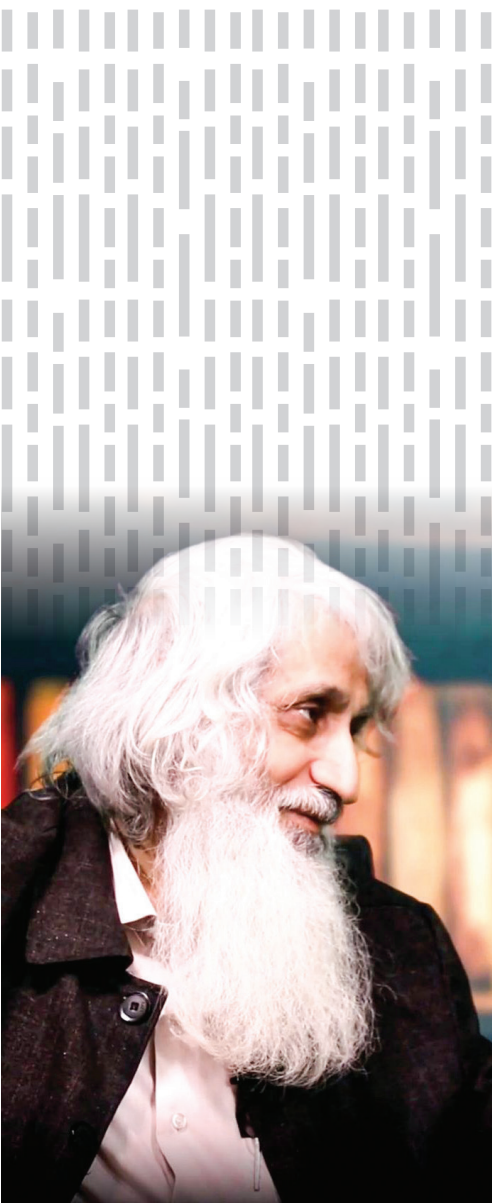
شود. این کار نیازمند همکاری دانشگاه‌ها و همه گروه‌های مرجع و مورد اعتماد مردم به‌خصوص در بخش غیردولتی است. واقعیت این است که دولت‌ها سرمایه‌گذاری‌های بسیار زیادی در توسعه زیرساخت‌های تأمین آب کلان‌شهرهایی مثل تهران کرده‌اند. از حیث ایجاد ظرفیت تأمین آب، شاید حتی بیشتر از مقدار لازم ظرفیت‌سازی شده است. خشکسالی بسیار شدید سال جاری که در پی چهار سال خشک‌قبلی محقق شده، هر سیستم تأمین آبی را با چالش مواجه می‌کند.»
او در همین زمینه ادامه داد: «در بسیاری از کشورهای به‌مراتب پرآب‌تر از تهران یا سایر شهرهای بزرگ ایران و یا امکانات مالی به مراتب بهتر، در سال‌های خشک محدودیت‌های آبیاری فضای سبز، محدودیت فعالیت استخرها، توزیع کاهنده‌های مصرف و نظایر این فعالیت‌ها و محدودیت‌ها مکرر در رسانه‌ها گزارش شده است. در شهرهای پرتنش ایران نیز در تابستان جاری، باید راهکارهای مدیریت مصرف و قطع فعالیت‌های نه‌چندان ضروری با مصرف آب بالا صورت گیرد. در دواز مدت‌اما، اصلاحات بنیادی در نظام حکمرانی آب کشور ضروری است. تقویت نظام شایسته‌سالاری و تخصص‌محوری در قوای سه‌گانه مهم‌ترین و زیربنایی‌ترین اقدام است. در این صورت است که توصیه‌های دانشگاهیان در دولت و سایر قوا خریدار پیدا خواهد کرد.»
موضوع قابل توجه در صحبت‌های عضو هیئت علمی دانشگاه تهران نقش تحریم‌ها در عدم عبور کشور از بحران کم‌آبی است. او در این باره گفت: «متأسفانه تحریم‌ها بر محیط زیست ایران آثار منفی شدیدی داشته است و منابع آب شاید بیشترین آثار منفی عمدتاً در اثر ضرورت خودکفایی غدایی از طریق تولید داخل را تجربه کرده است. محدودیت‌های واردات و ایجاد فضای غیررقابتی برای تولیدکنندگان داخلی، باعث افت کیفیت محصولات مهمی نظیر کنسروها و ابزارهای اندازه‌گیری و پایش منابع و مصارف و بازچرخانی آب شده است. اگر چه صنعت آب ایران در بسیاری

انسانی قرار داده تا بتوانند در کنار بازتعریف این علوم، با مدنظر قرار دادن مختصات ایران و ایرانی؛ الزامات افزایش تاب‌آوری مردم را برای سیاست‌گذاران در حوزه های مختلف ترسیم کنند. در ادامه به سراغ ابراهیم فیاض، عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران رفتیم تا ضمن تشریح سهم علوم انسانی در دوران جنگ و پساجنگ، از چرایی تاثیرگذاری علوم انسانی ایران بگوید. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

مدت کوتاهی خواهیم داشت که باور نمی‌کنید. یعنی اگر بگویم ظرف ۶ ماه یا دو ترم، علوم انسانی ما رشد می‌کند، باور نمی‌کنید.

از نگاه شما جنگ ۱۲ روزه برای حوزه علوم انسانی چه دستاوردهایی به ارمغان آورده چیست؟

بعد از جنگ ۱۲ روزه تازه متوجه شدیم که خلأهای ما کجا بوده و می‌توانیم افق‌ها را تشخیص دهیم. یعنی بعد از حمله رژیم صهیونیستی به ایران که جنگ و حمله تمدنی غرب علیه ما بود، امروز دیگر ساختارها روشن شده و جهش‌ها مشخص است. البته اگر شورای عالی انقلاب فرهنگی بگذارد که دانشگاه‌های ما و علوم انسانی ما بومی شود؛ چراکه با ساختارها و آیین‌نامه‌هایی که همگی غرب‌زده‌اند نمی‌توانیم به این حوزه حرکت کنیم. باید به صورت مفصل‌تر در باره ساختار علوم انسانی بومی صحبت کرد، اما آنچه مسلم است اینکه ما این توانایی را داریم که بتوانیم با علوم انسانی بومی به این سمت حرکت کنیم.



از زمینه‌ها خودکفاست و در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، و واردکننده به‌صادرکننده خدمات مهندسی در حوزه‌های مختلف آب تبدیل شده‌ایم، ولی کیفیت بسیاری از خدمات در حوزه‌های مختلف تأمین، بازچرخانی و مدیریت مصرف آب از سطح مطلوبی برخوردار نیست. به عبارت دیگر توانمندی در کشور وجود دارد ولی این توانمندی لزوماً با کیفیت مناسبی در سطح کشور بالفعل نشده است.»

زهرای در باره توان علمی دانشگاه‌ها برای ارائه راهکارهای علمی و عملی با هدف برون‌رفت از شرایط فعلی ادامه داد: «دانشگاه‌ها از نهادهای مرجع با سرمایه اجتماعی بالا هستند. قطعاً اگر بحث دعوت مردم به صرفه‌جویی در مصرف آب باشد، دانشگاهیان می‌توانند نقش مؤثری ایفا کنند. دانشگاه‌ها به‌خصوص در شهرهای دارای تنش آبی، باید از طریق راه‌اندازی پوش‌های مدیریت مصرف آب و استفاده از ظرفیت فعالیت‌های جهادی دانشجویی، در آگاهسازی اقشار مختلف جامعه نقش آفرینی کنند.»

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران با بیان اینکه راهکارهای مدیریت مصرف آب که در ایران پیاده‌سازی شده تفاوت چندانی با راهکارهای مورد توجه در سایر کشورها ندارد، خاطرنشان کرد: «مدیریت مصرف آب شهری ناظر به دو حوزه رفتار و ابزار مصرف است. کاهش زمان دوش گرفتن به حداکثر ۸ دقیقه، بستن شیر آب هنگام مسواک زدن یا شستن دست‌ها از نمونه‌های تغییر رفتار مصرف است. تغییر رفتار نیاز به ارتقای سواد آبی و آگاهی بخشی دارد که این امر همکاری متخصصان با انواع و اقسام رسانه‌ها را می‌طلبد. در بخش ابزار مصرف، استفاده از کاهنده مصرف آب مثل درافشان (پراتور)، سردوش یا فلاش‌تانک‌های کم‌مصرف نمونه ابزارهای قابل استفاده برای مدیریت مصرف آب هستند. این ابزارها، با کیفیت مناسبی در بازار ایران موجودند و استفاده از آن‌ها می‌تواند حتی در صورت عدم تغییر رفتار مصرف، متجر به صرفه‌جویی در مصرف آب شود.»